

## روایت بنیان‌گذاری یک دانشگاه

• محمد معینی

\* علوم پایه زنجان (داستان بنیان‌گذاری مرکز تحصیلات تکمیلی) / روایت یوسف ثبوتی / به کوشش ماندانا فرهادیان

۴۹۵ صفحه / نشر نی / چاپ اول: تهران، ۱۴۰۱

\*\*

یوسف ثبوتی، متولد سال ۱۳۱۱ در زنجان، دانش‌آموخته دکترای اخترفیزیک در سال ۱۳۴۲ از دانشگاه شیکاگو، قریب سه دهه بعد از تدریس در دانشگاه شیراز و چهل سال دوری از زادگاه خویش، اواخر دهه هفتاد و در آستانه دهه هفتم عمر خود به زنجان بازگشت تا ایده تاسیس دانشگاهی ویژه تربیت دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا را در رشته‌های علوم پایه (فیزیک، ریاضی، شیمی، علوم زیستی و علوم زمین) جامه عمل بپوشاند. کتاب «علوم پایه زنجان» روایت روزها و سال‌های نخستین شکل‌گیری این تجربه موفق در آموزش عالی ایران است.

\*

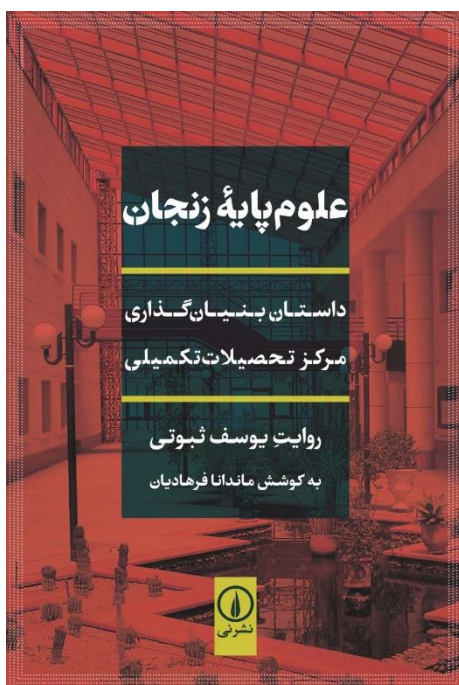
محتوای کتاب در سه قالب تدارک دیده شده؛ یادداشت‌های روزانه دکتر ثبوتی از میانه فروردین سال ۷۱ تا انتهای سال ۷۴، گفت‌وگو با موسس دانشگاه (که در فاصله بهار ۹۳ تا پاییز ۹۵ انجام شده) و پیوست‌ها (شامل تصاویر برخی از نخستین احکام، مکاتبات و گزارش‌ها از روند تاسیس و فعالیت دانشگاه).

کتاب متنی روان دارد و گفت‌وگوها نیز تا حد زیادی کاستی یادداشت‌های روزانه را با اطلاعات تکمیلی جبران می‌کند. این گفت‌وگوها توسط ماندانا فرهادیان انجام شده که خود دانش‌آموخته همین دانشگاه است و آشنایی قبلی او با موضوع کتاب در شکل دادن به روند کتاب، موثر بوده است.

در این کتاب آمده که از مهم‌ترین دلایل دکتر ثبوتی برای پیگیری ایده تاسیس دانشگاه علوم پایه این بوده که «مدیریت دانشگاه‌ها عملاً تفاوتی بین آموزش در سطح دکتری و کارشناسی ارشد و آموزش در سطح کارشناسی نمی‌گذارند» (صفحه ۱۹) و «مدیران جوان و بی‌تجربه دانشگاه‌ها ملزومات تحصیلات تکمیلی را نمی‌توانند درک کنند» (صفحه ۵۳).

ثبوتی به مصطفی معین (وزیر وقت آموزش عالی؛ که نقش او را در پاگرفتن این دانشگاه «بسیار بسیار اساسی» ارزیابی کرده است (صفحه ۶۳)) از لزوم ایجاد «یک جای نو» که تنها به آموزش‌های کارشناسی ارشد و دکتری بپردازد و از مقررات متصلب رها باشد، می‌گوید (صفحه ۵۳). دکتر معین از این ایده استقبال می‌کند (صفحه ۵۴).

نهایتاً در پایان تابستان سال ۷۰، شورای گسترش دانشگاه‌ها با تاسیس «مرکز (بعداً: دانشگاه) تحصیلات تکمیلی در علوم پایه زنجان» و انتخاب فیزیک به عنوان نخستین رشته تحصیلی در این مرکز موافقت می‌کند. مرکز رسماً ۲۷ خرداد ۷۲ افتتاح می‌شود (صفحه ۴۲۱). بزرگترین و موثرترین کمک مالی در ابتدای راه نیز در سال ۷۱ به مبلغ ۹۶ میلیون تومان با نظر مساعد هاشمی رفسنجانی (رئیس‌جمهوری وقت) از طریق نهاد ریاست جمهوری پرداخت می‌شود تا در آینده ردیف بودجه خاص آن در لایحه بودجه لحاظ شود.



حمایت برخی مدیران عالی‌رتبه زنجانی‌الاصول در صدر دولت و پست‌های مدیریتی همچون مسعود روغنی‌زنجانی (برنامه و بودجه)، یحیی آل‌اسحاق (وزارت بازرگانی)، شاپوری (مسکن و شهرسازی استان تهران)، رضا عبداللهی (نماینده موثر از استان زنجان در مجلس)، مصطفی ناصری (نماینده وقت زنجان در مجلس و بانفوذ در سازمان استخدامی) و یک استاندار بومی (سجاد کاظمی) در ابتدای راه به تسهیل بسیاری از امور کمک می‌کند. برخی نهادهای محلی نیز از کمک‌های غیرنقدی دریغ نمی‌کنند. دکتر ثبوتی در عین حال اعلام کرده: «با بازاری‌هایی که به هیچ درد نخوردند، به امید کمک مالی وارد گفت‌وگو شدم» (صفحه ۱۷).

با این حال با حضور نداشتن دکتر معین در ترکیب کابینه دوم رفسنجانی، نگرانی‌هایی رخ می‌دهد؛ ثبوتی نوشته است: «دکتر (رضا) منصوری، وزیر جدید آموزش عالی (هاشمی گلپایگانی) را دیده بود. وزیر در مورد من گفته است: «می‌دانم که نماز می‌خواند و عامل به احکام است ولی حرف‌هایی هم درباره‌اش می‌گویند.» خدا عاقبت‌مان را به خیر کند» (یادداشت ۶ شهریور سال ۷۲)

مسئله دیگری که دکتر ثبوتی را در ابتدای تاسیس ناگزیر از صرف وقت و انرژی زیادی می‌کند، الزام وی به ادامه تدریس در دانشگاه شیراز بود. حضور وی در زنجان به عنوان رئیس مرکز تحصیلات تکمیلی در علوم پایه به صورت «مامور از دانشگاه شیراز» میسر شده بود. ادامه ماموریت و انتقال دائم دکتر ثبوتی حدود هفت سال طول می‌کشید. او در این باره گفته: «مسئولین دانشگاه شیراز را راضی کردم که بین زنجان و شیراز رفت و آمد کنم و هر دو کار (تدریس در دانشگاه شیراز و امور مرکز تحصیلات تکمیلی) را انجام دهم. مدت هفت سال [از ۶۰ سالگی] هر دو هفته یک بار، چهار روز به شیراز می‌رفتم. روز پنجشنبه می‌رفتم تهران و از آنجا به شیراز، تا دوشنبه درس می‌دادم، دوشنبه عصر برمی‌گشتم تهران و از آنجا می‌آمدم به زنجان ... به طور متوسط ۳۵۰ - ۳۰۰ هزار کیلومتر در سال مسافرت می‌کردم» (صفحات ۵۰ و ۵۱).

این کتاب روایت‌های قابل‌تاملی از گرفتاری‌ها نیز ارائه می‌کند؛ از تنش بین برخی همکاران و اعضای هیئت علمی که نمی‌توانند با نبود یا تقسیم امکانات اولیه کنار بیایند، موانع سر راه تامین منابع مالی و یا از جمله نمونه‌ای قابل توجه در یادداشت‌های ۲۶ اردیبهشت ۷۴ که ثبوتی از آن نوشته است؛ «به استاندار [سجاد کاظمی] گله‌ام از سازمان اطلاعات را مطرح کردم که در یک مورد از مدعوین خارجی ما سوالات نامربوط سیاسی کرده بودند. در مورد دیگر، از منشی‌های مرکز خواسته بودند برای‌شان بدون اطلاع من خبرچینی کنند. گفتم متأسفانه به نظر می‌رسد به صرف اینکه در جای کوچکی مثل زنجان کاری که متعارف شهر نیست انجام می‌دهیم در مظان اتهام هستیم و موضوع کنجاوی‌های آزاردهنده قرار می‌گیریم.»

یادداشت ۱۵ اسفند ۷۴ یوسف ثبوتی به اجمال تنوع و وسعت تلاش‌های وی ثبوتی را نشان می‌دهد؛ «کار زیاد بود. تنظیم قرارداد واگذاری زمین اساتید هنوز به جایی نرسیده است. ثبت زمین ۸۵ هکتاری هنوز انجام نگرفته است. میلگردها هنوز تحویل نشده است. برای میلگرد حواله وزارت بازرگانی با آرمه‌دشت سر تهیه پول کلنجر می‌رویم. بدتر از همه نقدینگی ریالی‌مان ته کشیده. وقت زیادی روی این مباحث گذاشتم. درس آستروفیزیکم را از ۱۰ تا ۱۱:۴۵ دادم.»

در بخششی از گفت‌وگوها ثبوتی از برخی مبانی فکری خود هم سخن گفته است. از جمله در صفحه ۴۷۶ می‌خوانیم: «برچسب تیزهوش و نخبه نه فقط کمکی به آدم‌ها نمی‌کند بلکه آدم‌ها را از اینکه بتوانند با همدیگر بجوشند و همکاری کنند، باز می‌دارد ... توسعه‌یافتگی کشورهای پیشرفته به خاطر نابغه‌ها و نخبگان‌شان نیست، به خاطر سخت‌کوشی طیف وسیع آدم‌های متوسط‌شان است که پیش رفته‌اند.»

